

پیشگفتار چاپ دوم

کتاب حاضر که جلد دوم آن پس از بازنگری و افزایش به چاپ سپرده می‌شود، نسبت به چاپ اول از ویژگی‌هایی که در پی می‌آیند برخوردار است: اول آنکه حضور جداول نشانگانهای مجموعه تشخیصی و آماری انجمن روان‌پزشکی آمریکا در چاپ اول، ما را موظف ساخت که در چاپ حاضر از جداول آخرین مجموعه (DSM IV) استفاده کنیم. دوم آنکه با جامعیت بخشیدن به گستره نظری اختلالها کوشیده‌ایم بی‌گرایشی یک اثر علمی را در زمینه‌ای که دائماً در حال تکامل است بیش از پیش به خواننده القا کنیم.

سوم آنکه نحوه ارائه کنونی این اثر امکان استفاده مستقل از هر فصل را هموار و مدرس را در انتخاب فصول مورد نیاز برحسب نوع و سطح آموزشی که برعهده دارد مجاز می‌سازد. دلیل عمده ارائه این اثر در دو مجلد نیز تأمین همین خصیصه بوده است.

چهارم آنکه بر اثر تجارب آموزشی خود و به رغم اصلی که در ارائه روان‌شناسی مرضی تحولی در آغاز پذیرفته‌ایم - همواره به منظور آگاه ساختن دانشجویان - گستره درمانگریهای اختلالهای مختلف را وسعت بخشیده‌ایم. پنجم آنکه اگر بیشترین گسترش در وهله اول، متوجه تحول اختلالها در گستره دوره‌های اولیه چرخه تحول روانی بوده است اینک هر نوع بررسی اختلال، در صورت لزوم، به تمامی چرخه پوشش داده است. امید است این اثر که نقطه کنونی پیشرفتهای روان‌شناسی مرضی تحولی را می‌نمایاند بتواند دریچه‌های علمی نوین را بر روی دانشجویان کشور گشوده نگهدارد.

پریرخ دادستان

بهار ۱۳۷۸

پیشگفتار چاپ اول

تمام گرایشهای جدید چند دهه اخیر در قلمرو روان‌شناسی مرضی حاکی از آن‌اند که به ثمر رساندن فعالیت‌های بالینی مؤثر و علمی، مستلزم آگاهی از فرایندهای اطلاعاتی فزاینده‌ای است که در پرتو پیشرفتهای روزافزون پژوهشهای «بنیادی» و «به کار بسته» می‌توانند دقیق‌تر و صریح‌تر از گذشته، به ردیابی اختلالها کمک کنند و عملاً متخصصان را در تدوین تشخیص و انتخاب درمان یاری دهند.

موفقیت همه روشهای درمانگری و مخصوصاً از آن میان، طیف گسترده روشهای «روان‌درمانگری» نیز در گرو شکل‌گیری تشخیصهای درست و در نتیجه انتخاب موجه درمان است.

در چنین گیروداری، فعالیت بالینی در وهله نخست نیازمند یک روان‌شناسی مرضی به مقیاس امروزی است، یعنی حرکتی که بتواند به اتکای جنبش فراگیر روان‌شناسی ژنتیک در قالب «روان‌شناسی مرضی تحولی»، داده‌های آسیب‌شناختی لازم را درباره دوران کودکی و نوجوانی به میدان عمل سرازیر سازد.

در کشور ما، از سال ۱۳۴۱ که اولین کتاب در زمینه روان‌شناسی مرضی با عنوان *هنوز لرنزان*^۱ و با محتوایی در حد کتب متداول در آغاز دهه ۱۹۵۰ میلادی در کنار چند کتابی که تا آن زمان درباره بیماریهای روانی در چهارچوب روان‌پزشکی یا بیماریهای اعصاب^۲ و با دانشی عمدتاً در حد جنگ جهانی دوم انتشار یافته بودند،

۱. ر.ک.: *روان‌شناسی رفتار غیر عادی مرضی*، ترجمه و تألیف پ. بیرجندی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۱.

۲. ر.ک.: *روان‌پزشکی*، تألیف ع. میرسپاسی، شماره ۲۱۹، انتشارات دانشگاه تهران.
خلاصه *روان‌پزشکی*، تألیف ع. میرسپاسی، شماره ۸۳۱، انتشارات دانشگاه تهران. ←

پا به صحنه آموزش عالی گذارد، تا سال ۱۳۷۰ که مصادف با دوران فروزش سومین مجموعه بازنگری شده تشخیصی و آماری انجمن روان‌پزشکی امریکا^۱ است، به رغم گامهای بلندی که در زمینه اختلالاتهای روانی و به خصوص اختلالاتهای روانی اصطلاحاً «دوران تحول» به معنای دوره‌های «شیرخوارگی»، «کودکی» و «نوجوانی»، برداشته شده یک اثر آموزشی دانشگاهی در خور امعان نظر، یعنی کتاب درسی منظمی که معرف روان‌شناسی مرضی تحولی در حد دانش کنونی باشد در اختیار دانشجویان رشته‌های روان‌شناسی و پزشکی قرار داده نشده است.

باید متذکر شد که در حد انتشار کتاب روان‌شناسی رفتار غیر عادی که به گفته مترجم برای «تدریس در کلاس روان‌شناسی مرضی و درمانی» فراهم گردیده بود، هنوز تفکیک مفاهیم بالینی (روان‌شناسی بالینی)، مرضی (روان‌شناسی مرضی) و درمانی (روان‌درمانگری) به وضوح نادیده انگاشته شده و این درهم‌بینی نشان‌دهنده این تصور است که با داشتن اطلاعاتی درباره اختلالاتهای روانی (همان‌طور که در کتابهای سالخورده روان‌پزشکی، بیماریهای روانی را در قالبهای کلی از حد مسائل کالبدشناختی و فیزیولوژیک تا جنبه‌های درمانی در یک مجموعه عرضه می‌کردند) می‌توان بلافاصله به مرحله انتخاب و اجرای درمان رسید.^۲

از تیرماه ۱۳۴۴ تا اردیبهشت ۱۳۴۵، گروهی از روان‌پزشکان دانشگاه تهران، به دنبال تأسیس اولین کانون هدایت کودک و نخستین مرکز مشاهدات روانی در خارج از چهارچوب دانشگاهها^۳، درصدد ایجاد حرکتی نو برآمدند و به انتشار

→ بیماریهای مغز و روان، تألیف ح. رضاعی، شماره ۳۵۸، انتشارات دانشگاه تهران.

نشانه‌شناسی بیماریهای اعصاب، تألیف ص. صبا، شماره ۴۸۱، انتشارات دانشگاه تهران.

روانپزشکی کودک، تألیف م. گیلانی، شماره ۱۰۰۹، انتشارات دانشگاه تهران.

سمیولوژی اعصاب، تألیف ابراهیم چهارزی، شماره ۶۸۷، انتشارات دانشگاه تهران.

1. DSM III R

۲. برای آشنایی با این تمایزها رجوع شود به مقدمه کتاب روان‌شناسی بالینی، پ. دادستان، م.

منصور، ژرف، تهران، ۱۳۶۶.

۳. رجوع شود به تاریخچه فعالیت انجمن ملی حمایت کودکان و تأسیس مراکز یادشده در سالهای

۱۳۴۱ و ۱۳۴۳.

دوازده جزوه درباره مسائل جنبی و بنیادی روان‌پزشکی، زمینه‌هایی که در کتب غربی دهه پنجاه میلادی به منزله گرایشهای نو قلمداد می‌شدند، پرداختند. اما کوشش این گروه، به رغم همجواری با فعالیتهای منفرد دیگر، به یک دگرگونی آموزشی منجر نشد و تنها طنین آن به منزله هشداریه علیه رکود علمی دانشگاه تلقی گردید. مجموعه کوششهایی از این دست، زمینه را برای تألیف و ترجمه متون دیگری در قلمرو مسائل روانی مرضی در سالهای بعد در دو خط درهم آمیخته فراهم آورد:

در خط روان‌پزشکی به رغم فعالیتهای متنوعی در راه ترجمه و یا تألیف آثاری درباره اختلالها که در نوع خود نیز ارزنده تلقی می‌شوند^۱ تا قبل از دهه ۱۳۶۰، اثر علمی قابل ملاحظه‌ای به منظور آموزش روان‌شناسی مرضی (یا آسیب‌شناسی روانی) به چشم نمی‌خورد و تنها در حد دهه اخیر است که آثاری انتشار یافته‌اند که قطع نظر از کیفیت ترجمه یا تألیف و محتوای علمی (که بحث در این باره به فرصت دیگری محول می‌شود)، می‌توان آنها را به عنوان یک کوشش آموزشی قلمداد کرد. مع‌ذلک ذکر این نکته ضروری است که بین نویسندگان کتب علمی و پویندگان صفوف مقدم علم، غالباً فواصل قابل ملاحظه‌ای وجود دارند و به همین دلیل است که مثلاً ترجمه چندمین چاپ یک اثر، به صرف تاریخ پشت جلد و حک و اصلاحهای سطحی، نو به شمار می‌آید، در حالی که به رغم بسیاری از نوگرایها، هنوز پایه‌های روان‌شناسی مرضی و چهره روان‌شناسی مرضی تحولی را به صورتی کهنه در قالب روان‌پزشکی کودک به عنوان یک مبحث جنبی از یک مجموعه ارائه می‌دهد.

در خط آثار روان‌شناختی، تأسیس گرایش بالینی در برنامه‌های کارشناسی روان‌شناسی در دانشگاهها و تعیین دروسی تحت عنوان آسیب‌شناسی روانی و روان‌شناسی مرضی کودک توسط افرادی غیر روان‌شناس و در همه حال از لحاظ

۱. ر.ک.: نشریات مجله بهداشت روانی، بیمارستان روزبه. عناوین پاره‌ای از جزوه‌ها عبارت‌اند از: پسیکودرام، اگریستانسیالیسم، مکانیزمهای دفاعی، علم سبیرنتیک و روان‌پزشکی ...

علمی بیگانه نسبت به قلمروهای بالینی و مرضی، و محول شدن این دروس در گروه‌های آموزشی به افرادی که غالباً از تخصص لازم بهره‌مند نبوده‌اند، موجبات در جا زدن در حد کتابهای روانشناسی رفتار غیر عادی و روان‌پزشکی کودک و یا کتب مشابه آنها (که متأسفانه هنوز به دستور برنامه‌ریزان به منزله کتب درسی برنامه‌های وضع شده قلمداد می‌شوند) و یا تدوین جزوه‌ها و کتابهایی حتی کمتر از آنها را فراهم آورده است. تا جایی که پاره‌ای از این جزوه‌های درسی مغشوش به عنوان کتاب روانشناسی مرضی کودک به حریم دانشگاهها رخنه کرده‌اند و دوباره، پس از سی سال گذشت زمان و تلاشهای پراکنده و بی‌پناه، عدم تمایز بین روان‌شناسی بالینی و روان‌شناسی مرضی، از سر گرفته شده است. بدیهی است که ما در این خط، از انبوه کتابهایی که با عناوین مختلف مرضی و درمانی در چهارچوبهای آموزش و پرورشی و توصیه‌های «مشاوره‌ای» توسط کسانی که در شمار روان‌شناسان بالینی قلمداد نمی‌گردند، و برحسب رواج کار و گستره بازار، به‌دست انتشار سپرده می‌شوند، سخنی به میان نمی‌آوریم.

* * *

اثر حاضر نخستین کتاب درسی نظام‌دار در زمینه روان‌شناسی مرضی تحولی است و به صورتی منظم، جریان پدیدآیی و دگرگونیها و سازمان‌یافتگیهای اختلال‌آمیز دوره تحول یعنی کودکی و نوجوانی را ترسیم می‌کند.

این اثر در عین حال که با آخرین داده‌های تشخیصی و آماری نشانه‌شناسی اختلالها براساس سومین مجموعه تجدیدنظر شده انجمن روان‌پزشکی امریکا مطابقت می‌کند، مع‌ذلک به موضع‌گیریهای پژوهشی فراتر از حد تبلورهای کنونی اشاره دارد و با ارائه اختلالها در چهارچوب دیدگاههای مختلف علمی، راه را برای کوششهای پژوهشی تغیردهنده باز نگه می‌دارد.

در این اثر سعی شده است که با طرح طیف گسترده اختلالهای دوران کودکی و نوجوانی در قالب کوتاه‌ترین چرخه ممکن، جامعیت آن حتی‌الامکان تضمین گردد. اما به منظور اجتناب از گستردگی مطالب از طرح دو زمینه در این

مجموعه خودداری شده است: یکی قلمرو عقب‌ماندگی ذهنی که از یک سو داده‌های ژنتیک و پزشکی درباره آن نسبت به زمینه‌های دیگر فراوان‌ترند و از سوی دیگر متخصصان آموزش و پرورش با همکاری وزارت آموزش و پرورش خط مسائل تربیتی آن را به عنوان یک قلمرو متمایز دنبال می‌کنند، و دوم قسمتی از سازش‌نیافتگی‌هایی که بیشتر به اختلال رفتارهای ارتباطی مربوط می‌شوند و جنبه‌های اجتماعی، اخلاقی و حقوقی، آنها را در شکل‌گیریهای خاص و قابل بحث قرار می‌دهند.

این اثر صرفاً درباره روان‌شناسی مرضی است و با فرایندهای دیگر بالینی به رغم ضرورت توسل به آنها مشتبه نمی‌گردد. اگر برحسب موارد در پایان هر اختلال یا هر گروه از اختلالها رهنمودهایی درباره درمان داده شده‌اند، این کار از نظر نگارنده صرفاً به منظور آگاه ساختن دانشجویان نسبت به جنبه‌های اختصاصی درمانگری در هر زمینه و جلوگیری از سوءاستفاده‌هایی است که از روش و یا اصطلاحات و عناوین درمانی به عمل می‌آیند.

این اثر متناسب با نیازهای زنجیره کنونی فعالیت‌های بالینی شکل گرفته و نسبت به تأمین جنبه‌های آموزشی آن سعی وافر به عمل آمده است تا دانشجو بتواند به آسانی و با رغبت به عمیق‌ترین سطح اطلاعات دست یابد. مع‌ذلک مطالعه این اثر در منظومه آثاری که در این زنجیره و با همین هدف فراهم آمده‌اند آسان‌تر می‌گردد. بنابراین به دانشجویانی که قبل از مطالعه این کتاب با کتابهای روانشناسی ژنتیک^۱، روانشناسی بالینی^۲، و تربیت به کجا ره می‌سپرد؟^۳ آشنایی حاصل نکرده‌اند توصیه می‌شود که برای درک عمیق‌تر مسائل روان‌شناسی مرضی و یافتن ارتباط آنها با زنجیره بالینی، کتابهای یاد شده را در برنامه مطالعه خود قرار دهند و حتی مطالعه

۱. روانشناسی ژنتیک، انتشارات رز، تهران، ۱۳۶۸ و مخصوصاً روانشناسی ژنتیک II، ژرف، تهران، ۱۳۶۹.

۲. روانشناسی بالینی (پرون)، پ. دادستان، م. منصور، تهران، ۱۳۶۶.

۳. تربیت به کجا ره می‌سپرد؟ (پیاژه)، م. منصور، پ. دادستان، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.

پاره‌ای از آنها را بر این اثر مقدم شمارند.

با این همه و با توجه به آنچه درباره محدودیتهای این اثر ذکر گردید باید آن را مقدمه یا دریچه‌ای بر مطالعات بعدی به حساب آورد. اگر از نظر نگارنده این کتاب به منزله جلد اول یک اثر جامع در قلمرو روان‌شناسی مرضی تحولی است، از نظر دانشجو باید همواره مطالب آن با مطالعه کتب دیگر و مخصوصاً مقالات مجلات معتبر تکمیل شود. به امید آنکه این اثر راه‌گشای فعالیتهای گسترده‌تر دانشجویان باشد و آنان را در دسترسی به افقهای بالاتر، یاری کند.

در پایان دادن به این سخنان وظیفه خود می‌دانم که از همکار دانشمند آقای دکتر محمود منصور که نخستین درس روان‌شناسی مرضی تحولی را در سال ۱۳۶۱ در گروه روان‌شناسی دانشگاه تهران بنیان گذاردند به مصداق «الفضل للمتقدم» سپاسگزاری کنم. بدون کمکهای فکری و علمی ایشان این اثر جامه عمل به خود نمی‌پوشید.

همچنین باید از انگیزه‌ها و علاقه‌مندیهای علمی و پیگیر دانشجویان که اهرمهای واقعی پدیدآوردندگی هستند و کشش آنهاست که شوق کار را در دل برمی‌انگیزد به خود ببالم. بدون این مساعدتها حتی تصور پیمودن این راه دشوار ممکن نبود.

پریرخ دادستان

بهمن ماه ۱۳۷۰